

صبح وجود

ویراست جدید

www.ketab.ir

دکتر مجید صادقی حسن آبادی

زهره شهیدی

سرشناسه	شهییدی، زهره، ۱۳۶۴ -
عنوان قراردادی	دعای صباح. فارسی - عربی، شرح Prayer of Sabah. Persian - Arabic. Commantries
عنوان و نام پدیدآور	صبح وجود/ دکتر مجید صادقی حسن آبادی، زهره شهیدی، .
مشخصات نشر	قم: اندیشه مولانا، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۲۵۹ ص.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۶۳۲-۳۱-۷:
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. -- دیدگاه درباره نبوت
موضوع	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. -- دیدگاه درباره نفس
موضوع	Sadradding shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- Views on spirit
موضوع	Sadradding shirazi, Mohammad ebn Ebrahim -- View on prophecy
موضوع	صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹ - ۱۰۵۰ ق. -- دیدگاه درباره تأثیر دعا
موضوع	Mulla Sadra Shirazi -- Views on influence of Prayer
موضوع	دعای صباح -- نقد و تفسیر
موضوع	Prayer of Sabah -- Criticism and interpretation
رده بندی کنگره	BP۲۶۹/۰۴۲۲:
رده بندی دیویی	۲۹۷/۷۷۴:
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۲۲۵۹۱:



صبح وجود ویراست جدید

مولف: دکتر مجید صادقی حسن آبادی، زهره شهیدی

ناشر: اندیشه مولانا

چاپخانه: مبین - قم

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۰

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۶۳۲-۳۳-۰ - ISBN 978-622-7632-33-0

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان شهدای ژاندارمری،

روبه روی اداره پست، پلاک ۱۲۴ واحدیک تلفن: ۰۶۶۴۰۸۹۲۷ - ۶۶۴۷۶۴۸۸

دفتر قم: خیابان شهدا (صفائیه)، مجتمع تجاری صفائیه - طبقه سوم

تلفن: ۰۲۷۷۴۳۵۴۴ - ۳۷۷۳۳۶۴۵ فاکس: ۳۷۷۳۸۸۱۴

کلیه حقوق برای مولف محفوظ است.

کتاب حاضر حاصل انجام پایان نامه کارشناسی ارشد در دانشگاه اصفهان است که طی نامه با شماره ۱۴۰۰/۱۲۲۳۳۴ مورخ ۳۱ / ۵ / ۱۴۰۰ اجازه انتشار دارد.

پیشگفتار

دعا رکن اصلی ادیان و زیباترین نحوه ارتباط با حضرت حق جل و علا است. پیامبران عظام علیهم السلام سه رسالت بزرگ بر عهده داشته اند: اول آنکه خداوند و عرشیان را به زمینیان بشناسانند و آن کنز مخفی را به مشتاقان و دلبردگان ساحتش معرفی کنند. دوم اینکه نحوه ارتباط خداوند به عنوان خالق هستی را با مخلوقات و آدم و عالم به محجوبان خاک نشین تعلیم دهند تا آدمی سنت ها و وسائط اعمال اراده حضرت حق را بیاموزد و نیکو زندگی کند؛ و سوم آنکه چگونگی و نحوه ارتباط انسان را با خداوند در این خاکدان هستی به او تعلیم دهند. به راستی اگر انبیاء نبودند جایگزینی برای تعلیم این آموزه ها وجود نداشت. در این راستا و بر همین مبناست که دعا جایگاه مهمی در عالم هستی می یابد و به عنوان آموزه ای رکن در ادیان ظهور می کند.

از جمله فرازهای دلنشین قرآن کریم مواضعی است که از سخن گویی یک طرفه خداوند خارج می شود و بندگان او را می خوانند. آن جا که می فرماید: «هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ» (آل عمران/ ۳۸). یا آن جا که حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام برای کسب اطمینان از خداوند کیفیت زنده کردن مردگان را می خواهد و خداوند چه نیکو به او پاسخ می دهد: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى قَالَ أُولَئِكَ تُؤْمِنُونَ قَالَ بَلَى وَ

۱. آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: «پروردگارا، از جانب خود، فرزندی پاک و پسنیدیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی.

لَكِنْ لِيُظَمِّنَ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ اجْعَلْ عَلَى كُلِّ جَبَلٍ مِنْهُنَّ جُزْأً ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ﴿٢٦٠﴾. و نیز قصه ذوالنون و قهر کردن و مناجاتش با خداوند «وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ»^۲ (انبیاء/ ۸۷). تضرع و مطالبه حضرت محمد ﷺ برای تغییر قبله «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ»^۳ (بقره/ ۱۴۴). این آیات الهی از بخش های بسیار خواندنی و شنیدنی این کتاب مبارک است.

دعا نوعی همنشینی و حضور یافتن در محضر حضرت حق است که قبل از اینکه مصیوع به طلب و خواسته ای باشد، نوعی مصاحبت و گفتگو با معشوق است و فارغ از آنکه آدمی حاجت روا شود یا نشود، لذت بخش خواهد بود. انس با خدا بزرگترین اجابت و پاداش او به بنده دعا کننده است که از هر مطلوبی ارزشمند تر است.

من تاج نمی خواهم من تخت نمی خواهم

در خدمت افتاده بر روی زمین خواهم

۱. و [یاد کن] آن گاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا، به من نشان ده چگونه مردگان را زنده می کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده ای؟» گفت: «چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.» فرمود: «پس، چهار پرنده بگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان سپس بر هر کوهی پاره ای از آنها را قرار ده آن گاه آنها را فرا خوان، شتابان به سوی تو می آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است.

۲. و «ذوالنون» را [یاد کن] آن گاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکیها ندا در داد که: «معبودی جز تو نیست، منزه ای تو، راستی که من از ستماکاران بودم.»

۳. ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می بینیم. پس [باش تا] تو را به قبله ای که بدان خشنود شوی برگردانیم پس روی خود را به سوی مسجد الحرام کن و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید»